

شهادت عیسی مسیح

¹ مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او داد تا اموری را که می‌باید زود واقع شود؛ بر غلامان خود ظاهر سازد و به وسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا،² که گواهی داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود.³ خوشبحال کسی که می‌خواند و آنانی که می‌شنوند کلام این نبوت را، و آنچه در این مکتوب است نگاه می‌دارند، چونکه وقت نزدیک است.

درد به کلیساهای هفت‌گانه

⁴ یوحنا به هفت کلیسایی که در آسیا هستند؛ فیض و سلامتی بر شما باد از او که هست و بود و می‌آید؛ و از هفت روح که پیش تخت وی هستند؛⁵ و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست‌زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست، و ما را نزد خدا و پدر خود، پادشاهان و کهنه ساخت؛ او را جلال و توانایی باد تا ابدالابد. آمین.

⁷ اینک، با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید، و آنانی که او را نیزه زدند، و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید. بلی! آمین.⁸ من هشتم الف و یا، اول و آخر، می‌گویم آن خداوند خدا، که هست و بود و می‌آید، قادر علی‌الإطلاق.

مأموریت یوحنا رسول

⁹ من، یوحنا، که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره‌ای مسمی به پطمس شدم.¹⁰ و در روز خداوند در روح شدم، و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم،¹¹ که می‌گفت: من الف و یا، و اول و آخر هستم، آنچه می‌بینی در کتابی بنویس، و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند؛ یعنی به افسس و اسمیرنا و پرمغاس و طیانیرا و ساردس و فیلاقیه و لائودیکه بفرست.

¹² پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم می‌نمود بنگرم. و چون رو گردانیدم، هفت چراغدان طلا دیدم؛¹³ و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان را که ردای بلند در بر داشت و بر سینه وی کمربندی طلا بسته بود.¹⁴ و سر و موی او سفید چون بشم، مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله

شهادت مسیح عن نبوة هذا الكتاب

¹ اعلان يسوع المسيح الذي اعطاه إياه الله ليُري عبده ما لا بد أن يكون عن قريب وبته مرسلاً بيد ملاكِهِ لِعَبْدِهِ يوحنا،² الذي شهد بكلمة الله وشهادة يسوع المسيح بكل ما رآه.³ طوى للذي يقرأ وللذين يسمعون أقوال النبوة ويحفظون ما هو مكتوب فيها لأن الوقت قريب.

سلام الى السبع الكنائس

⁴ يوحنا إلى السبع الكنائس التي في آسيا: نعمه لكم وسلام من الكائن والذي كان والذي يأتي، ومن السبعة الأزواج التي أمام عرشه،⁵ ومن يسوع المسيح الشاهد الأمين، البكر من الأموات ورئيس ملوك الأرض. الذي أحبنا وقد غسلنا من خطايانا بدمه⁶ وجعلنا ملوكاً وكهنة لله أبية له المجد والسلطان إلى أبد الأبد. آمين.⁷ هوذا يأتي مع السحاب وستنظره كل عين والذين طعنوه ويتوج عليه جميع قبائل الأرض. نعم، آمين.⁸ أنا هو الأول والآخر، البداية والنهاية، يقول الرب، الكائن والذي كان والذي يأتي، القادر على كل شيء.

كتاب الوحي الذي إستلمه الرسول

⁹ أنا، يوحنا، أخوكم وشريككم في الضيقة وفي ملكوت يسوع المسيح وصبره، كنت في الجزيرة التي تدعى بطمس من أجل كلمة الله ومن أجل شهادة يسوع المسيح.¹⁰ كنت في الروح في يوم الرب وسمعت ورأيت صوتاً عظيماً كصوت بوق قائلاً: أنا هو الأول والآخر، الأول والآخر، والذي تراه اكتب في كتاب وأرسل إلى السبع الكنائس التي في آسيا: إلى افسس وإلى سميرنا وإلى برغامس وإلى تيانيرا وإلى ساردس وإلى فيلاقيا وإلى لائودكية.

¹² فالتفت لأنظر الصوت الذي تكلم معي، ولما انفتحت رأيت سبع متائر من ذهب¹³ وفي وسط السبع المتائر شبه ابن إنسان مرسلاً يتوب إلى الرجلين ومتمطفاً عند تدبئه بمطقة من ذهب.¹⁴ وأما رأسه وشعره فأبيضان كالصوف الأبيض كالنحل، وعيناه كهيبت نار،¹⁵ ورجلاه شبه النحاس النقي كأنهما محميتان في أنون، وصوته كصوت مياه كثيرة.¹⁶ ومعهُ في يده الزمى سبعة كواكب، وسيف ماضي ذو حدين يخرج من فمه، ووجهه كالشمس وهي تضيء في قوتها.¹⁷ فلما رأيته سقطت عند رجليه كميت، فوضع يده الزمى عليّ قائلاً

لِي: لَا تَحْفَ، أَنَا هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ¹⁸ وَالْحَيُّ، وَكُنْتُ مَبْنًى
وَهَا أَنَا حَيٌّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ، آمِينَ، وَلِي مَفَاتِيحُ الْهَابِ
وَالْمَوْتِ. فَكُنْتُ مَا رَأَيْتُ وَمَا هُوَ كَأَيُّنْ وَمَا هُوَ عَتِيدُ أَنْ
يَكُونَ بَعْدَ هَذَا. سِرُّ السَّبْعَةِ الْكَوَاكِبِ الَّتِي رَأَيْتُ عَلَى
يَمِينِي وَالسَّبْعِ الْمَتَائِرِ الذَّهَبِيِّ: السَّبْعَةُ الْكَوَاكِبُ هِيَ
مَلَائِكَةُ السَّبْعِ الْكُنَائِسِ وَالْمَتَائِرِ السَّبْعِ الَّتِي رَأَيْتُهَا هِيَ
السَّبْعُ الْكُنَائِسُ.

آتش،¹⁵ و پایهایش مانند برج صیقلی که در کوره تابیده
شود، و آواز او مثل صدای آبهای بسیار.¹⁶ و در دست
راست خود هفت ستاره داشت، و از دهانش
شمشیری دودمه تیز بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چون
آفتاب بود که در قوّتش می‌تابد.

¹⁷ و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایهایش افتادم. و
دست راست خود را بر من نهاده، گفت: ترسان
مباش! من هستم اوّل و آخر،¹⁸ و زنده؛ و مرده شدم،
و اینک، تا ابدالآباد زنده هستم؛ و کلیدهای موت و عالم
اموات نزد من است.¹⁹ پس بنویس چیزهایی را که
دیدي و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از
این خواهند شد؛²⁰ سِرّ هفت ستاره‌ای را که در دست
راست من دیدي و هفت چراغدان طلا را؛ امّا هفت
ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند، و هفت
چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.